

# فریاد و فغانِ پیامبران



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** اول سموئیل ۸: ۱۰ تا ۱۸؛ عاموس ۵: ۱۰ تا ۱۵؛ میکاه ۶: ۸؛ پیدایش ۱۹: ۱ تا ۱۳؛ حزقیال ۱۶: ۴۹؛ اشعیا ۱: ۱۵ تا ۲۳.

**آیه حفظی:** «ای مرد از آنچه نیکو است تو را اخبار نموده است؛ و خداوند از تو چه چیز را می‌طلبد غیر از اینکه انصاف را بجا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی؟» (میکاه ۶: ۸).

انبیاء عهد عتیق در میان قابل توجه ترین شخصیت های کتاب مقدس می باشند. آوای بلند آنها، پیام های جسورانه آنها، احساس غم و اندوه، خشم و غضب آنها و کارهای برجسته آنان در موقعیت های مختلف در ابلاغ پیام باعث شد که آنها افرادی بشوند که نتوان آنها را نادیده گرفت، حتی اگر آنها همیشه راحت نبودند که در انظار باشند. آنها عمدتاً به اسرائیل و یهودیه فرستاده شدند، آنها قوم برگزیده خدا را ندا می دادند تا به فراخوان خدا گوش داده و به سوی خدا بازگردند. مردم و رهبران آنان به سادگی توسط بت ها و سبک های زندگی قوم های اطراف، لغزش می خوردند. این وظیفه بی پاداش انبیاء بود، که گاهی اوقات با یادآوری درباره عشق خداوند به آنها و کارهایی که قبلاً خداوند برای آنها انجام داده بود، و گاهی اوقات با هشدار دادن به پیامدهای دور شدن از خداوند، به آنان اصرار ورزند تا توبه کنند.

همچنین، همانطور که مشاهده خواهیم کرد، در میان گناهان و پلیدی هایی که آنان به رهبران و مردم برعلیه آنها هشدار دادند، یکی از بزرگترین آن گناهان، ستم به فقرا، نیازمندان و بینوایان بود. بله، بت پرستی بد بود؛ بله، پیروی و عبادت مذاهب غلط بد بود؛ و همینطور، بله، سوءاستفاده از ضعف و فقرا نیز سزاوار محکومیت بود.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت ۱۲ مرداد — August ۳ آماده شوید.

## دعوت مکرر برای عدالت

با وجود طرح دقیق و روشن خدا برای قوم بنی اسرائیل، مردم اسرائیل به ندرت براساس آنچه که آنان برایش فراخوانده شده بودند، زندگی می کردند. تنها چند نسل بعد از اینکه آنها در آن سرزمین اسکان یافتند، آنها از سموئیل که نبی و داور بود خواستند تا یک پادشاه را برای هدایت قوم آنها تعیین کند، « مثل سایر اُمته‌ها » ( اول سموئیل ۸: ۵).

اول سموئیل ۸: ۱۰ تا ۱۸ را بخوانید. هشدار سموئیل به مردم در پاسخ به درخواست آنها برای درخواست پادشاه چه بود؟

تشخیص سموئیل این بود که خواسته آنان شروعی است از طرف قوم، برای اینکه مانند اقوام دیگر به طریق های دیگری زندگی کنند. در حالی که سموئیل در پی رایزنی با اولین پادشاه یعنی، شائول بود، مدت زیادی نگذشته بود که پیشگویی او پا به عرصه واقعیت گذاشت. حتی در اوج دوران پادشاهی در اسرائیل، داوود و سلیمان از وسوسه ها، فساد و افراط و فزونی در قدرتشان، نتوانستند بگریزند.

در سراسر حکمرانی های اسرائیل و یهودا، یکی از واکنش های خدا، فرستادن انبیاء بود تا درباره اراده او سخن به میان بیاورند و به رهبران و قوم بنی اسرائیل درباره اعضای فراموش شده جامعه به آنان یادآوری کنند که مسئول و جوابگو هستند.

در نگارش های انبیاء عبرانی، ما شاهد یک دعوت مستمر و مداوم برای زندگی عادلانه و اجرای عدالت در جامعه هستیم. پیامبران با بی وفایی اسرائیل و رهبران آن مقابله می کردند، و برای بی صدایان بطور منظم و مصرانه صدا بودند، بالاخص کسانی که با قصور اسرائیل از متابعت از اراده خداوند، آسیب دیده بودند.

در انعکاس اشتیاق انبیاء عهد عتیق، ابراهام ج اشوا هیشل، خودرضامندی ما را با فراخوانی مبرم برای عدالت مقایسه می کند: « آن چیزهایی که انبیاء را در آن زمان به هراس و وحشت می انداخت، در حال حاضر اتفاقات روزانه ای هستند که در سراسر جهان رخ می دهند... ناشکیبائی آنان با بی تابی نسبت بی عدالتی ممکن است به ما مانند حمله عصبی ضربه بزند. ما خودمان مداوم شاهد بی عدالتی، رفتارهای ریاکارانه، دروغ، خشم، بدبختی هستیم، اما به ندرت در مورد آنها خشمگین یا بیش از حد برانگیخته می شویم. اما برای انبیاء حتی یک بی عدالتی جزئی، ابعادی به بزرگی کهکشانش داشت. » — انبیاء ( نیویورک: انجمن انتشارت یهودیان امریکا، ۱۹۶۲)، صفحه ۳ و ۴.

آنچه این انبیاء به ما عرضه می دارند، بصیرت برای دیدن قلب و فکر خداست. آنها

با حرف زدن از طرف خداوند به ما کمک می کنند که بی عدالتی و رنج دنیای خود را از نگاه چشم های پر از اشک خداوند ببینیم. اما این اشتیاق و دلسوزی برای عمل کردن فراخوان می دهد، واز ما می خواهد تا با خدا همکاری کنیم و غم و اندوه کسانی که در اطرافمان هستند را تخفیف داده و علاحی برای آن بیابیم.

چطور گاهی ما در پی شبیه شدن به « تمامی اقوام دیگر » هستیم؟ شیوه هایی که ممکن است برای ما و دیگران مضر باشد.

۷ مرداد

دوشنبه

## عاموس

« من نه نبی هستم و نه پسر نبی بلکه چوپان بودم و انجیرهای بزی را می چیدم. و خداوند مرا از عقب گوسفندان گرفت و خداوند مرا گفت، برو و بر قوم من اسرائیل نبوت نما » (عاموس ۷: ۱۴ و ۱۵). عاموس کاملاً عدم صلاحیت خود را برای اینکه نبی باشد، قبول داشت، اما همانطور که پیام خود را به گوش قوم اسرائیل می رساند، توانایی آشکار خود را برای جلب شنوندگانش به آنچه که می خواهد به آنها بگوید، نشان می داد.

او از یک لیست مشهور شروع کرد، فهرست اقوام حاشیه ای - سوریه، فلسطین، صور، ادوم، عمون و موآب را تهیه می کند، و همینطور جزئیات جنایات، خشونت ها و جنایاتی که خداوند آنها را برای آن مجازات خواهد کرد را تهیه می کند ( نگاه کنید به عاموس ۱: ۳ و ۲: ۳). آسان است که تصور کنید، اسرائیلی های متهم به این اتهامات از طرف دشمنان شان، منحصرأً بسیاری از این جنایات را این ملت ها علیه خود اسرائیلیان مرتکب شده بودند.

سپس عاموس کمی نزدیکتر به خانه حرکت می کند و داوری خدا بر علیه مردم یهودا، همسایگان جنوبی اسرائیل در پادشاهی هایی که اکنون از هم جدا شده بودند را اعلام می کند. عاموس از طرف خداوند، می گوید که خداوند به دلیل نافرمانی آنان از احکام او، مجازات هایی را برای آنها خواهد فرستاد (نگاه کنید به عاموس ۲: ۴ و ۵). بازهم می توانیم مردم را در قلمرو پادشاهی شمالی تصور کنیم که هلهله می کنند، همانطور که عاموس به خطاکاری های کسانی که در اطرافشان هستند اشاره می کند.

اما سپس عاموس به طرف مخاطبان خود بر می گردد. بقیه کتاب در مورد شرارت، بت پرستی، بی عدالتی و قصور مکرر از بینش خداوند، متمرکز است.

عاموس ۳: ۹ تا ۱۱؛ ۴: ۱ و ۲؛ ۵: ۱۰ تا ۱۵؛ و ۸: ۴ تا ۶ را بخوانید. او بر علیه چه گناه هایی هشدار می دهد؟

در حالی که عاموس زبان سیاسی و دیپلماتیک ندارد و هشدارهایش مجازات داوری هستند، پیام او آمیخته با عجز و التماس برای بازگشتن آنان بسوی خدایشان است. این شامل تکرار حس عدالت و توجه و مراقبت نسبت به فقیرانی است که در میان جامعه آنها وجود دارد: « و انصاف مثل آب و عدالت مانند نهر دایمی جاری بشود » (عاموس ۵: ۲۴). آیات آخر نبوت عاموس به احیای مجدد قوم خداوند در آینده اشاره می کند، (ببینید ۹: ۱۱ تا ۱۵): « در ژرف ترین زمان ارتداد و بزرگترین زمان نیاز آنان، پیام خداوند برای آنها بخشش و امید بود. (الن جی وایت، انبیاء و پادشاهان، ص. ۲۸۳). [از متن انگلیسی]

آیا زمان هایی وجود دارد که نیاز باشد تا برای اصلاح خطاها، با لحن تند و خشن صحبت کنیم؟ چگونه می توانیم تشخیص بدهیم که چه هنگامی چنین لحنی ممکن است مناسب باشد؟

۸ مرداد

سه شنبه

## میکاه

« خداوند به ما فرموده است که از ما چه می خواهد. آنچه او از ما می خواهد این است که رحم و انصاف داشته باشیم و با کمال فروتنی احکامش را بجا آوریم ؟ » ( میکاه ۶: ۸).

در حال حاضر چه روش هایی وجود دارند، که شما بتوانید به دور از این کلمات زندگی کنید؟

گویا میکاه ۶: ۸ یکی از بهترین آیات کتاب مقدس شناخته شده است. با این حال، مانند بسیاری از آیاتی که ما از آنان برای خود شعارها و یا « دیوارکوب ها » درست می کنیم، احتمالاً ما بیشتر از آنها سخن میگوییم و کمتر با مفهوم آن آشنا هستیم.

میکاه ۲: ۸ تا ۱۱ و ۳: ۸-۱۲ را بخوانید. مردم چه کارهایی می کردند که میکاه آنان را محکوم کرد؟

سلطنت آحاز به عنوان یکی پادشاهان یهودا، شاهد بود که قوم خداوند به پائین ترین سطح روحانی خود در تاریخ و روحانیت قوم خودشان رسیدند. بت پرستی و شیوه های شیطانی آن افزایش یافتند. در همان زمان، همانطور که سایر انبیای معاصر او نیز اشاره

کرده اند، همچنان فقرا مورد استثمار و سوءاستفاده قرار گرفتند و طعمه ستمگران شدند. می‌کاهد که پیامبر بیان‌کننده حکم مجازات بود، از انبیاء معاصرش در این خصوص کمتر نبود. سه باب اول کتاب او اغلب خشم و غم و اندوه خداوند را نسبت به آنچه که شیطان بر سر قوم او آورده است، و همچنین تباهی و ویرانی را بیان می‌کند که بر آنان واقع خواهد شد. اما خداوند قومش را ترک نکرد. حتی بانگ بلند و پیام‌های تند و صریح انبیاء، نشانه‌ای از علاقه دائم و همیشگی خداوند به قومش بود. خداوند به خاطر محبت و توجهی که به آنان داشت به آنان هشدار می‌داد. خداوند مشتاق بود که آنان را ببخشد و مجدداً ایشان را به سوی خود بازگرداند. او تا به ابد نسبت به آنان خشمگین باقی نمی‌ماند. چنین چارچوبی به خوبی به عنوان یک «قاعده» شناخته می‌شود — به انصاف عمل کردن، دوست داشتن رحمت، و فروتن بودن. این ممکن است ساده به نظر برسد. اما زندگی کردن با چنین ایمانی بطور عملی خیلی بیشتر چالش‌انگیز است، مخصوصاً با اینکار ممکن است به نظر برسد که خیلی دور از معیارهای جامعه‌ای هستید که در آن زندگی می‌کنید. هنگامی که دیگران از بی‌عدالتی سود می‌برند، رحمت را تمسخر می‌کنند و با افتخار اینکار را می‌کنند، به انصاف رفتار کردن و دوست داشتن رحمت و با فروتنی زندگی کردن احتیاج به شجاعت و پشتکار دارد. با این حال، ما اینکار را به تنهایی نمی‌توانیم انجام دهیم؛ هنگامی که ما اینکار را انجام می‌دهیم، ما با خدای خود در این راه گام بر می‌داریم.

چه ارتباطی بین انجام عدالت و دوست داشتن رحمت، و گام برداشتن با خداوند با فروتنی وجود دارد؟

۹ مرداد

چهارشنبه

## حزقیال

اگر از گروهی از مسیحیان درباره «گناهان سدوم» سؤال کنیم، بسیاری از آنها احتمالاً به توصیف گناهان جنسی و سایر اشکال گناه می‌پردازند. بعد از همه اینها، پیدایش ۱۹: ۱ تا ۱۳ یک جامعه بیمار و پیچیده را نشان می‌دهد که بیشتر آماده تخریب و نابودی است. با این حال، به اندازه کافی جالب است، که پاسخ پیچیده‌تر از آنکه جواب داد. توضیح حزقیال را در نظر بگیرید: «اینک گناه خواهرت سدوم این بود که تکبر و فراوانی نان و سعادت‌مندی رفاهیت برای او و دخترانش بود و فقیران و مسکینان را دستگیری نمودند» (حزقیال ۱۶: ۴۹). اگرچه به وضوح خداوند قصد نداشت که اشکال دیگر فساد را در شهر نادیده بگیرد، در اینجا توجه و تمرکز حزقیال بر روی بی‌عدالتی اقتصادی و عدم مراقبت و توجه به افراد نیازمند است.

آیا این می تواند به این معنا باشد که در چشم خدا، این گناهان اقتصادی به بدی گناه جنسی، بد هستند؟

بعد از زمان عاموس، میکاه و اشعیا، پیشگویی های اولیه حزقیال، بنظر می رسد نشانه ای مشابه از هشدار دادن درمورد ویرانی هایی است که در آینده به وقوع می پیوندد. با این حال، پس از اینکه اورشلیم به دست بابلی ها می افتد و مردمش اسیر می شوند، تمرکز و توجه حزقیال بیشتر به سوی وعده های رستاخیز خداوند تغییر می کند.

حزقیال ۳۴:۲ تا ۴ و ۷ تا ۱۶ را بخوانید. اظهارنظر خداوند از رهبران فاسد اسرائیل را با چوپان (مسیح) خودش مقایسه کنید. چگونه رفتار آنها با ضعیف ترین «گوسفند» با روش های او متفاوت است؟

آنها حتی بدتر از آن بوده اند که به گونه ای با سدوم مقایسه شوند، خداوند هنوز به آنها امیدوار بود تا آنان را از راه شرارت و تبه کاری خودشان که در پیش گرفته بودند باز گرداند. در طرح جدید خداوند برای مردمش، آنها به سرزمین خودشان باز می گشتند، اورشلیم بازسازی می شد و معبد دوباره ساخته می شد. اعیاد خداوند دوباره برگزار می شد و زمین دوباره به صورت مساوی در میان مردم به عنوان ارث آنان تقسیم می شد (نگاه کنید به حزقیال ۴۷:۱۳ و ۴۸:۲۹). به نظر واضح می رسدست که قصد خدا این بود که طرح او برای قومش، همانطور که در ابتدا به موسی و مردم اسرائیل پس از نجات آنها از مصر داده بود، بازگشت دوباره قومش از اسارت باشد. این شامل نگرانی برای ضعیف ترین اعضای جامعه و همچنین افرادی بود که ممکن است بیگانه باشند.

چقدر این برای شما مهم است، که خدای ما خداوندی است که فرصت های دوم — و حتی بیشتر — به مردمش می بخشد، کسانی که اشتباه کرده اند، پس از آن برای انتخاب بهتر کردن فرصت داشته اند؟

۱۰ مرداد

پنجشنبه

اشعیا

اشعیا ۱:۱۵ تا ۲۳:۳؛ ۱۳ تا ۱۵؛ و ۷:۵ و ۸ را بخوانید. چگونه شما واکنش نبی را به آنچه او در جامعه اطراف خودش مشاهده کرد، شرح می دهید؟

مقدمه موعظه اشعیا- پنج فصل اول — ترکیبی از انتقاد شدید از نوعی جامعه ای است که قوم خداوند به شکل آن جامعه درآمده بودند، و هشدارهای قریب الوقوع داوری، در واکنش به رد شدن آنان از طرف خداوند و ادامه اعمال اشتباه آنان، و همینطور پیشنهادات امیدوارانه در صورتیکه مردم به سوی خدا برگردند و زندگی خودشان و جامعه خود را اصلاح کنند. اما شاید قوی ترین احساساتی که از طریق کلامش بیرون می آید احساس غم و اندوه است. بر اساس درک او از خداوند و آنچه که او برای قومش می خواهد، نبی برای آنچه که از دست رفته بود سوگواری می کند، افراد بیشماری فراموش شده بودند و آسیب دیده بودند، و برای ملتی که داوری خواهند شد. اشعیا این طرح را از طریق رسالت نبوی خود دنبال می کند. او از مردم خواست تا به یاد داشته باشند که خدا برای آنها چه کرده است. او همچنین به این مردم پیشنهاد می کند که به آنچه خداوند می خواهد در آینده برای آنان انجام دهد امید داشته باشند. بنابراین، اکنون باید به دنبال خداوند بروند، و برای همین، احیای رابطه با او شامل توبه از اعمال مجرمانه و اشتباه فعلی و تغییر نحوه برخورد با دیگران می باشد.

اشعیا در باب ۵۸ و ۵۹، به طور ویژه به موضوع نگرانی برای عدالت اشاره می کند. او دوباره جامعه ای را توصیف می کند که « عدالت در آن به عقب رانده شده است و عدالت از آن دور شده است؛ حقیقت در آن لغزش خورده است، و و صداقت نمی تواند وارد آن جامعه شود » (اشعیا ۵۹: ۱۴). اما او همچنین تأکید می کند که خدا از آن آگاه است و خداوند قومش را نجات می دهد — « نجات دهنده ای خواهد آمد » (اشعیا ۵۹: ۲۰).

در سراسر کتاب اشعیا، بخش مهمی از توجه نبی، به رسمیت شناختن بازگشت مسیح معطوف می شود، کسی که در نهایت حکومت خدا را بر روی زمین دوباره برقرار می کند و عدالت، رحمت، شفا و احیاء را با خود به ارمغان می آورد.

اشعیا ۶: ۹ و ۷: ۱۱ تا ۵: ۴۲ تا ۷: ۱ و ۴: ۵ تا ۶ را بخوانید. چگونه این نبوتها با آنچه که شما از زندگی، رسالت و مرگ عیسی درک می کنید، مطابقت دارند؟ این نبوتها در مورد هدف از آمدنش به این جهان چه می گویند؟

۱۱ مرداد

جمعه

**تفکری فراتر:** بخوانید *الِن جی وایت*، « اسارت آشوریان»، صفحه ۲۷۹ تا ۲۹۲؛ «فراخوانی اشعیا»، صفحه ۳۰۳ تا ۳۱۰، از کتاب *انبیاء و پادشاهان*. [صفحات فوق مربوط به مرجع انگلیسی کتاب است]

« در مقابله با ظلم و ستم مشخص، بی عدالتی آشکارا، تجمل گرایی بی رویه و افراط، عیاشی و مستی بی شرمانه، شهوت رانی شرم آور، فساد اخلاقی، در دوران انبیاء، آنها را بر آن داشت که صدای خود را بلند کنند (علیه ظلم بایستند)؛ اما اعتراضات و شکایت آنان از گناه بیهوده بود. « *الِن جی وایت*، *انبیاء و پادشاهان*، ص. ۲۸۲.

برای اشعیا، "به ویژه چشم انداز شرایط اجتماعی مردم دلسرد کننده بود. در پی میل انسان ها برای افزایش منافع شان، اضافه کردن خانه بیشتر به خانه های خود، و زمین و مزرعه به زمین و مزرعه های خود ... عدالت از مسیر خود منحرف شده بود، و هیچ ترحمی به فقرا نشان داده نمی شد... حتی حاکمان و دادرسان، کسانی که وظیفه شان حمایت و حفاظت از درماندگان بود، گوشه‌ایشان را بر روی شنیدن صدای گریه فقرا و نیازمندان، بیوه زن‌ها، و یتیمان بسته بودند و صدای آنان را نمی شنیدند...

« هنگامیکه، در طی سال آخر حکومت عزیّا، اشعیا فراخوانده شد که پیغام های هشداردهنده و ملامت کننده خداوند را به یهودا برساند، در مواجهه با چنین شرایطی، جای تعجب نیست که او از این مسؤولیت شانه خالی کند. او به خوبی می دانست که با مقاومت سخت و شدید آنها مواجه خواهد شد » صفحات ۳۰۶ و ۳۰۷.

« این خطابه های ساده انبیاء ... باید توسط ما به عنوان صدای خداوند به گوش هر جانی برسد. نباید هیچ فرصتی را برای انجام اعمال رحیمانه، از آینده نگری و منصفانه بدون چشمداشت به پاداش، و با تواضع مسیحیانه، نسبت گرانباران و ستمدیدگان از دست بدهیم » صفحه ۳۲۷.

## سوالاتی برای بحث

۱. ما اغلب عملکرد نبوت را به عنوان پیش بینی آینده می دانیم. چگونه شناخت از توجه و تمرکز انبیاء عهد عتیق بر روی دنیایی که آنان در آن زندگی می کردند، ادراک شما از وظیفه یک نبی تغییر می دهد؟
۲. زندگی و پیغام انبیاء ثابت می کند که چقدر بر موضع حقیقت ایستادن و موضع گرفتن و از آن دفاع کردن، می تواند سخت و خطرناک باشد. چرا اعتقاد دارید که آنها هر آنچه انجام می دادند به همان چیزی بود که آنها انجام می دادند و صحبت می کردند؟
۳. در نوشته های انبیاء به نظر می رسد خداوند بین خشمگین بودن و ابراز نگرانی عمیق خود برای مردم در تناوب بوده است. چگونه این دو جنبه از شخصیت خداوند را با هم مطابقت می دهید؟

**خلاصه:** انبیاء عهد عتیق دلسوز و پر احساس و اغلب خشمگین و مدافعانی نگران طریق و اراده خداوند برای قومش بودند. بازتاب دهنده نگرانی آشکار خداوند بودند، این علاقه شامل توجه شدید به عدالت برای فقرا و ستمدیدگان بود. دعوت انبیاء به بازگشت بسوی خداوند شامل پایان دادن به بی عدالتی، چیزی که خداوند نیز همیشه در چشم اندازش برای آینده بهتر برای قومش وعده داده بود، می شد.